

اختره مه رآخه !

«اختره مه رآخه!» عنوان شعر نیست (۱) که مرحوم "زمانی" در سال ۱۹۸۲ یعنی حدود دو سال بعد از تجاوز شوروی آنوقت به افغانستان در جریان جنگ مقاومت بمناسبت عید سعید سروده بود که اوضاع جانگداز وطن را در آن وقت انعکاس می داد. چون اوضاع امروز شباهت زیاد به احوال آن زمان دارد، بنا بر آن یادی از آن بیمورد نخواهد بود. زیرا اگر دیروز استعمار شرق به کمک خلقیها و پرچمیها وطن را به خاک و خون کشیدند، امروز استعمار غرب در همکاری با ائتلاف شمال و نقاضت دروغین با نیروی تاریخزده و سیاه طالبان به استشاره پاکستان کمر به قصد انهدام میهن و کشتار هممیهنان بسته اند.

محمد هاشم "زمانی" که زادگاهش کنر است از جمله شعرای انقلابی و شخصیت های ملی کشور میباشد که به جرم وطنخواهی در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه مانند بسیاری از شخصیت های ملی کشور در زندان انداخته شد و سالیان درازی را در حبس گذرانید. او در زمان صدارت محمد داوود با خانواده اش به هرات تبعید گردید. در آغاز تجاوز روس مرحوم "زمانی" در ایجاد "جبهه متحد ملی افغانستان" کوشش فراوان نموده و یکی از بنیانگذاران این جبهه محسوب میگردد. زمانی عاشق آزادی و شیفته وحدت ملی بود و تا پای جان در همین راستای طریق کرد تا سر انجام در عالم هجرت در حالی که اشعار زیادی در پای آرمانهای خود سروده و خرمی از آرزوها در سینه سوخته بود، دو سال قبل پدرود حیات گفت. دانشمندان، شخصیت های ملی و دوستداران زمانی در مورد او ذکر خیر فراوانی کرده اند که اینک مثالی به مثابه "مشت نمونه بسیار" آورده میشود.

مرحوم عبدالرحمان پژواک در زمان حیات "زمانی" در سال ۱۹۹۰ م در دیوان "زخمی زره" (۲) او تقریظی نوشته و از "زمانی" چنین یادآوری کرده: «"زمانی" از شعرای دردمند و آرزومند زبان پشتو است. اشعار او از سلاست و فصاحت در بیان و بصیرت در معانی بهره مند است. بیجا نیست اگر بگوئیم اشعار وی نگاری از چهره راستین مبارزه ملی مردم خدانشناس و آزادی پرست افغانستان است که بر پرده دل و دماغ تصویر شده است و لاجرم بر دل می نشیند و در مغز فتر و میرود... "زمانی" از آغاز جوانی درس زندگی را از درد و رنج فرا گرفته است. سالیان دراز زندانی بوده و گرم و سرد سنگر سرد و جنگ گرم، رنج مهاجرت و درد دوری از وطن همه را دیده و چشیده است. با پیرمردان و پیرزنان اظهار دعا و اندوه میکند. با کودکان یتیم و بیدست و پا اشک می ریزد. چون شمع بر مزار شهید می سوزد. از نفاق می نالد و ارمان او ظفر بر دشمن و آزادی مردم و وطن است. زمانی "شاعر ملی" و بیشتر از آن "شاعر وحدت ملی" است» (۲).

اختره مه رآخه !

د وینو سیلابونه دی اختره مه رآخه
دردونه او غمونه دی اختره مه رآخه

کنړ دی که پنجشیر دی که پغمان که قندهار دی
 د روس سره جنگونه دی
 اختره مه راخه
 روزگان دی که زابل دی که غزنی دی که کابل
 په زرونو کی داغونه دی
 اختره مه راخه
 فاریاب که سمنگان دی شبرغان دی که مزار
 په وینو سره دشتونه دی
 اختره مه راخه
 پکتیا که بدخشان دی او که غور دی که بامیان
 رنگ رنگ په وینو غرونه دی
 اختره مه راخه
 بغلان دی که بادغیس دی جوزجان دی که تخار
 د سرو وینو ډنډونه دی
 اختره مه راخه
 ننگرهار دی که لغمان دی، کاپیسا ده که پروان
 د خلکو وران کورونه دی
 اختره مه راخه
 میدان دی او که بلخ فراه وینو کی لت پت دی
 مرگونی سرودونه دی
 اختره مه راخه
 وطن ماتمکده ده خوشحالی او خندا نشته
 ژړا ده او ویرونه دی
 اختره مه راخه
 سرود د غم د ژوند دلته په هر کور کی غږیږی
 د او بڼکو بارانونه دی
 اختره مه راخه
 توتی د بدنونو اندامونه چه پرته دی
 په لاروکی مینونه دی
 اختره مه راخه
 د سوز د فریادونو نه بل هیڅ شی دلته نشته
 هنگور دی سره زخمونه دی
 اختره مه راخه
 طوفان د قتل عام دی دا سری وینی بهیژی
 وژونکی طوفانونه دی
 اختره مه راخه
 ظلمونه په افغان، تاریخ ساتلی په سینه کی
 د روس ظالم ظلمونه دی
 اختره مه راخه

"زمانی"

منابع :

- ۱ - محمد هاشم زمانی : د آزادی آرمان. مجموعه اشعار، ۱۳۶۱ هجری شمسی، پشاور، پاکستان.
- ۲ - محمد هاشم زمانی : زخمی زره. مجموعه اشعار، ۱۳۷۹ هجری شمسی، پشاور، پاکستان.